

# درباره اعتراض به شکل عریان

«من با اعتراض به شکل عریان مخالفم ولی ناچارم از آن دفاع کنم»

بهرروز ناصری

۱۵ مارس ۲۰۱۴

در هشت مارس امسال (۲۰۱۴) مریم نمازی همراه با تعدادی از فعالین زن در پاریس اعتراض خود را به شکل برهنه شدن در یکی از میادین شهر پاریس بیان کردند.

اخبار مربوط به این اعتراض در رسانه های مختلف انعکاس داده شده و تقریباً خیلی ها این اخبار را مطالعه کرده اند.

این نمایش اعتراضی عریان به مباحثاتی در موافقت و یا مخالفت از این نوع حرکتها دامن زده است. تلاش من در این مقاله اینست که ضمن بیان موضعگیری ام در قبال این از شکل از مبارزه، دلایل آنرا هم توضیح دهم، نکته ای که فکر میکنم بایستی اینگونه یا چیزی شبیه این فکر کرد.

محتوا و مضمون اصلی نظریه ام در زمینه اعتراضات عریان اینست که من با این شکل از مبارزه یعنی برهنگی فعالین زنان، مخالفم، اما ناچارم از آن دفاع کنم.

چرا با این شکل از مبارزه (برهنگی) موافق نیستم؟

۱- بیان اعتراض علیه انواع ستم بر زنان به شکل برهنگی، یک روش فردی مبارزاتی است که از سویی مستقیماً نظام سرمایه داری و استثمار سرمایه دارانه را نشانه نمیگیرد و از سوی دیگر کمکی به اتحاد آگاهانه و متشکل شدن علیه وضع موجود و فلاکتناهی که نظام سرمایه داری و حکومتهای موجود تحمیل کرده اند، نمیکند. برای من بعنوان یک کمونیست، آنچه در مرحله اول مهم هست، اینست که کدام حرکت و کدام جنبش، تعرضات سرمایه داران و دولتهای آنان به معیشت و کار طبقه کارگر را پس میزند و کمک میکند تا در پس یک حرکت و مبارزه، آگاهی و درجه تشکیلی کارگران بیشتر شود. مثال توضیحی در این مورد، مبارزه برای افزایش دستمزد تا دو میلیون تومان در ماه است که خود موضوع مطرح هست، ولی هنوز به یک توافق عینی در سطح سراسری که نتیجه آن توافق حصول این خواست و مطالبه باشد، نرسیده ایم. درک این موضوع که مسئله افزایش دستمزد بدون تشکل سراسری کارگران، نتیجه ای جز اینکه دولت اسلامی و کارفرمایان تعیین کننده اصلی دستمزدها باشند، نخواهد داشت. اگر احزاب سیاسی کمونیست برای افزایش دستمزد به اتحاد وسیع کارگران اشاره میکنند، به این سوال پاسخ نمیدهند که چگونه اتحاد وسیع کارگران بدون داشتن تشکل امکان پذیر است؟ هم حزب ما و هم احزاب دیگر به این سوال پاسخ نمیدهند.

حال فرض کنیم که کارگران ایران از تشکل سراسری خود برخوردار هستند و موفق میشوند خواست و مطالبه خود مبنی بر افزایش دستمزد را به دولت و کارفرمایان تحمیل کنند و قدرت خرید کارگران رو به بهبود رود، در آنموقع تازه کارگران از این فرصت برخوردار خواهند شد تا دغدغه های زندگی در عرصه اقتصادی و زیستی را کاهش دهند. کم شدن دغدغه های اقتصادی این شرایط را

فراهم می آورد تا کارگران از وقتی برای فکر کردن و تلاش برای ارتقاء خود و تا اندازه ای به زندگی در عرصه ی اجتماعی و فرهنگی بپردازند. استنتاج متدیک این بحث اینست که تغییر در سطح ماکرو، به آگاهی و تشکل در همین سطح ماکرو احتیاج دارد و اینکه تغییرات پایه ای یک مسئله اجتماعی است و نه انفرادی. وقتی که خواست و مطالبه اقتصادی برآورده شد، آنوقت زندگی انفرادی میتواند شروع شود. زندگی ای که افراد بر اساس سلیقه ها و مزه های متفاوتی که دارند، پی میریزند.

۲- در چهارچوب همین نظام سرمایه داری در غرب فرهنگ برهنگی وجود داشته و جوامع غربی آنرا پذیرفته اند. فرهنگ برهنگی را طبیعتگراها نمایندگی میکنند، که شاخه ی نودیسم (لختی) هم از همین طبیعت گراها مشتق شده است. طبیعتگرایی هر چند از قدمت طولانی برخوردار باشد، اما در تاریخ جدید، بعنوان یکی از شاخه های هنر در قرن هیجدهم از آن یاد میکنند، یعنی هنر در قرن هیجدهم در دوره های مختلف ترند های هنری متفاوتی را شاهد بوده است: دوران رمانتیک، سپس طبیعتگراها و بعدا هم مدرنیستها. فرهنگ برهنگی، یکی از امور عادی طبیعتگراها در اروپا است. طبیعتگراها در جوامع مختلف اروپایی دارای سبک زندگی خاص خود هستند، آنها کلوب ویژه و گردهماییهای خود را دارند. در اسلو ساحل لختها را داریم که ورود برای عموم در تابستان به آن قسمت آزاد است. این وضعیت در مجموعه ای از کشورهای غربی قابل مشاهده و یک پدیده عادی است... هدف از این توضیحات اینست که بگویم لخت بودن به همان اندازه که در جوامع "ما" انعکاس دارد، در جوامع پیشرفته سرمایه داری از این بازتاب برخوردار نیست و این برای طیفی از مردم به یک سبک زندگی (Life style) در کنار سایر سبکهای مختلف تبدیل شده است.

۳- پس عریان شدن بعنوان یک انتخاب فردی از نظر اقتصادی و سیاسی، مناسبات سرمایه داری را به چالش نمیکشد و بعنوان یک روش زندگی در چهارچوب همین نظام سرمایه داری پذیرفته شده است. آنچه که به مسئله لخت شدن حساسیت می بخشد، تقابل باورها و احزاب مذهبی است. به همین دلیل مسئله عریان شدن به همان اندازه که در اروپا کمتر حساسیت برانگیز است، به همان نسبت با واکنشهای تند از سوی جوامعی که باورها و توهم به مذهب هنوز بعنوان یکی از مولفاتی که موجبات حفظ وضع موجود را فراهم کرده و ادامه میدهند، بیشتر قابل مشاهده است.

۴- در این میان بحث پوشش و نقش و جایگاه پوشش برای انسانها مطرح میشود. انسان خود بخشی از طبیعت است و در طبیعت ما با موجودات زنده اعم از گیاهان و حیوانات روبرو هستیم که فرهنگی که انسانها در رابطه با پوشش دارند را دارا نمیباشند. یعنی هر حیوان و گیاهی، بنا به شرایط زیستی خود طی پروسه ای از قدرت انطباق برای ادامه حیات برخوردار شده اند. حیوانات، هم از لحاظ پوست و هم دمای بدنشان، از قدرت انطباقی برخوردارند که میتوانند بر راحتی فصول مختلف گرما و سرما را پشت سر بگذرانند. این قدرت انطباقی که در حیوانات وجود دارد، الزاما انسان ندارد. بحث پوشش دقیقا اینجا موضوعیت اصلی پیدا میکند. انسان در مقابل گرما و سرما، عمدتا سرما، نیاز به پوششی برای حفاظت از خود دارد.

در یک پروسه تاریخی طولانی مسئله نیاز انسان به پوشش برای حفاظت از خود، به بعد اجتماعی هم کشیده شده است. انسانهایی که در ازمنه خیلی قدیم از پوست حیوانات برای حفاظت از خود استفاده میکردند، امروزه به ظریفترین و زیباترین لباسها دسترسی دارد که نه تنها برای حفاظت از آب و هوای غیر قابل تحمل، بلکه برای زیبایی و مانور زیبا پوشیدن، انواع لباسهای واقعا زیبا را کشف و مورد استفاده قرار میدهند.

نتیجه این بحث تا اینجا اینست که بدلیل اینکه بکارگیری روش عریان شدن یا لختی، سبک و روشی فردی است که هم در جوامع سرمایه داری پیشرفته در غرب، امری عادی و از نظر اجتماعی پذیرفته

شده است و همچنانکه اشاره شد، طبیعت گراها، کلوبها، اجتماعات و ... خاص خود را دارند... ، و هم نظام استثمارگرانه سرمایه داری را زیر سوال نمیببرد، من با این روش مخالفم.

اما چرا ناچارم از کسانیکه برای بیان اعتراض خود به این شکل از مبارزه متوسل میشوند، دفاع کنم؟ لازم می بینم توضیحاتی بدهم.

برای رسیدن و حصول مهمترین مطالبات در سطح کلان که تاثیر مستقیمی در زندگی و شرایط کارمیگذارند، مثل بحث دستمزد و تشکل، قانون کار و... که به سرنوشت آحاد کارگران در سطح کل کشور مربوط است و بایستی برای حصول این مهم ها، آگاهانه در سطح وسیع متحد شد تا خواستههای مشترک برآورده شوند. ولی زمانیکه خواستها برآورد شدند، انسانها در زندگی اجتماعی و فرهنگی شان، الزاما از یک الگوی خاص زندگی پیروی نمیکند. اینجا تنوعات بوجود میاید.

«سوسیالیسم در ایران» اگر بر اساس تفاوتها نباشد، و اگر نگرش انتقادی در آن وجود نداشته باشد، توانایی پاسخگویی به سوالات و معضلات اجتماعی ایران را نخواهد داشت.

برای رعایت ایجاز، تیتروار به چند بحث اشاره میکنم.

اول: بحث پوشش: در برنامه همه احزاب کمونیست و حتی مترقی « آزادی در پوشش» قید شده است. این خواست بیشتر بدلیل این طرح شده که ارتجاع مذهبی در قدرت در یک سلسله از کشورها چنان شرایط خفقان و سرکوبگری بوجود آورده که حتی نوع پوشش خانمها و آقایان و حتی نوع آرایش مو را هم تعیین کرده اند. «حجاب» نمونه ای از آنست و عدول یا عدم پایه بندی به موازین اسلامی و مذهبی، با مجازات سنگین مواجه خواهد شد. خوب، در چنین شرایطی کمونیستها بدرستی آزادی در پوشش را طرح میکنند و معتقدند که انتخاب پوشش جزو حقوق بدیهی انسانهاست و هیچ دولت و حزبی نمیتواند حجاب یا نوع خاصی از پوشش را به مردم تحمیل کنند.

اما آنسوی بحث آزادی در پوشش، آزادی در عدم پوشش لباس را هم با خود خواهد آورد. در این بحث آزادی در عدم استفاده از لباس، نرمها و موازین نوشته نشده اجتماعی برجسته میشوند. جوامع مدرن برای چنین مواردی راه حل خود را ارائه داده اند. یعنی انسانهایی که برای انتخاب نرم زندگی شان به هم نزدیک هستند ، نمونه طبیعت گراها، که تشکل و مکان و امکانات و... مربوطه را بوجود آورده اند و هر فردی که تمایل داشته باشد مدتهایی را با همکیشان خود بگذراند، به محل و تشکل مورد علاقه خود را مرتبط میکند. پس نبایستی به این مسئله با تعصب برخورد کرد.

دوم: آزادی و آزادیخواهی: خواست آزادی و آزادیخواه بودن ایجاب میکند نوع اعتراضی که انجام می پذیرد، اما "من" با آن موافق نیستم، هم برسمیت شناخته شود. آزادی دقیقا به این معنی است. موافقین و مخالفین امکان ابراز وجود داشته باشند... . در این رابطه کمونیستها لازم است تا نوک پیکان حملات خود را متوجه ارتجاع مذهبی و غیر مذهبی کنند که تاکنون که بوده، سرکوب آزادی و استفاده از تیغ شمشیر بوده است... .

سوم: طبیعت گرایی و اعتراض به سبک لخت و عریان را نبایستی با صنعت سکسیسم جوامع بورژوایی یکی گرفت. صنعت سکس و پورنو ، که بورژوازی آنرا رواج میدهد و تاریخی قدیمی تر از سرمایه داری دارد، به درستی بایستی محکوم شوند.

هرچند بنا به دلایلی که مورد اشاره قرار دادم من با این شکل از اعتراض فعالین زن موافق نیستم، اما اقرار میکنم که اعتراض به شکل عریان، جسارت و شهامت بالایی میخواهد، و این جسارت اعتماد به نفس زنان برعلیه ستم را بالا میبرد. این فعالین زنان بدن زیبای خود را به اعتراض نشان دادند و عملا این پیام را رساندند که آنها میخواهند خود حاکم و تصمیم گیرنده خود باشند و ستم و بی حقوقی را نمی پذیرند و اجازه تعرض به آنان را نخواهند داد.

امروز که در ایران یک حکومت جنایتکار در حاکمیت است، خیلی از گرایش‌های جنسی و غیر جنسی مختلف امکان بروز علنی شدن را ندارند که بلادرنگ به چوبه دار برده میشوند، اما در فردای بعد از جمهوری اسلامی، انواع گرایش‌ها و امیال فردی، که امروزه در خفا به زیست خود ادامه میدهند، خود را علنی میکنند. از آن جمله هستند مثلاً هموفیلها، لیزبین‌ها و ترانسسکشولها.

سوال بزرگ در مقابل کمونیست‌های ایرانی اینست که چگونه با این پدیده‌ها برخورد خواهند نمود؟

بنظر من نظریه «سوسیالیسم در ایران» که بر اساس تفاوتها استوار است، که پرچم «کارگران ایران متحد شوید» و علیه فقر کمر شکن موجود در ایران شعار «نان، مسکن، آزادی» را برافراشته از آن ظرفیت، پتانسیل و آزادیخواهی برخوردار است که بتواند پاسخ صحیحی به چنین موضوعاتی بدهد.

## **زنده باد سوسیالیسم در ایران**

### **کارگران ایران متحد شوید**

### **زنده باد مبارزه برای رهایی زنان و مردان از سرمایه و سرمایه داری**

مقاله ای مندرج در نشریه مبارزه طبقاتی شماره ۱۷

E-post: [bnaseri@hotmail.com](mailto:bnaseri@hotmail.com)